

«we didn't have enough facilities to translate this letter because of bad emergency and risky condition of the organization of "alam-e-hagh va edalat" in iran. We thank you for your cooperation.»

موضوع: رهائی یکی از همراهان علم حق و عدالت بنام آقای محمد ابراهیمی از چنگال ملایان شیطان ایران با سلام و عرض ادب و مهر

هدف علم حق و عدالت رهائی ایران از چنگال مزدوران ملایان شیطان است که کنون ما در نبرد با این شیاطین هستیم. بطور خلاصه به اطلاع شما میرسد:

آغاز این حرکت سالها قبل، حدود ۴۴ سال پیش توسط پروفسور دکتر ابراهیم میرزائی با نگارش کتاب جهان تن و روان، آموزش هنر تن و روان به بانوان و آقایان، تدریس در دانشکده افسری وقت و افزایش توانائی ذهنی و بدنی دانشجویان اعلام شد و با مصاحبه‌های رادیویی و نشر مقالات در روزنامه‌ها و مجلات معتبر در آن زمان مثل دختران و پسران، بنیانگذاری کانگ فو توآ و ثبت آن در دنیا، دریافت نشان لژیون دونور و دریافت مدارک عالییه از مراکز معتبر جهان، متینگ و سخنرانی در محیط‌های دانشگاهی، طرح برقراری دانشکده انشاء تن و روان و ادامه یافت. این حرکت مبنای خود را بر افزایش آگاهی مردم قرار داده بود تا خود مردم پذیرای حکومت زور و استبداد نباشند و ارزشهای انسانی را ارج نهند. آموزش نظامیان در دانشکده افسری نیز به عنوان آغازی بر نفوذ به اندیشه نظامیان بود که بدین وسیله نطفه آگاهی در وجود ارتش و ورزش زده شد.

این حرکت تا زمان انقلاب ۱۳۵۷ ادامه داشت تا اینکه پس از انقلاب، دانشکده انشاء تن و روان به طور رسمی و آکادمیک در خیابان حجاب (لس آنجلس سابق) مبتنی بر هفت مرحله (مایگاه) راه اندازی شد و بطور وسیع تری به آموزش عامه مردم پرداخت. چون نیروهای پرورش یافته در دانشکده هر کدام پس از فارغ التحصیلی به عنوان مربی و متخصص جهت آموزش دیگران بودند در سرتاسر کشور پخش می شدند تا به وظیفه خود عمل کنند. پس از انقلاب، این روند با تمام تهاجمات رژیم ملایان شیطان، ادامه داشت و پروفسور با کاندید شدن جهت ریاست جمهوری و بیان و ارائه تیز انقلاب فرهنگی با استفاده از این واژه عزم به ایجاد تحولی عظیم در جامعه ایران داشتند ولی حکومت ملایان که ادامه این روند را برای منافع مالی و حکومت زور و زر و تزویر خود مضر میدیدند، با حمله به منزل ایشان و دانشکده، خود پروفسور را از ناحیه پا مجروح و یکی از همراهان ایشان را شهید کردند و دانشکده را تصرف نمودند.

ولی این حرکت ادامه داشت و اطلاع رسانی به مردم در رابطه با بیان اهداف انقلاب فرهنگی و مسیر حرکت، افشاگری‌های پی در پی علنی در مورد اهداف شوم حکومت ملایان که، سو استفاده از نام دین و وطن فروشی و پایمال کردن اندیشه‌ها را در نظر داشتند، و ضد شأن آدمند و عداوت با مقام آدم دارند، توسط پروفسور و همراهانشان در سرتاسر کشور انجام میشد تا اینکه پروفسور نمونه‌ای از برنامه‌ها و اهداف مبتنی بر اصول دانشکده انشاء را در بیمارستان فیزیولوژی انرژی انسان در ملارد (کرج) راه اندازی نمودند تا نمونه‌ای به صورت علمی و عملی به مردم و جهانیان ارائه شود و برای انسانها باقی بماند. طی این مرحله، درمان بیماریهای لاعلاج بیماران که از سرتاسر ایران به آنجا پناه می بردند به صورت رایگان و با اصول علمی در این بیمارستان انجام میشد. ولی باز هم حکومت ملایان خطر را احساس کرده و با حمله به این مرکز انبوه مردم نیازمند را پراکنده کردند. و پس از این مرحله پروفسور به علت ادامه اهداف بلندپایه خود در سراسر جهان، سفر خود را آغاز نمودند و اهداف از پیش تعیین شده طی مسیر شد. بطور مثال بطلان فرمانروایان جهان به همه آنان ابلاغ گردید. در این زمان همراهان در ایران حرکت خود را هم بصورت آشکار و هم مخفی ادامه دادند و با افشاگری‌ها و اعلام بطلان حکومت شیطانی ملایان، هشدارهای مداوم به مسئولین رده بالای کشور به صورت حضوری یا مکاتبه‌ای و تماس با عامه مردم در سراسر کشور از طریق پخش شبنامه‌ها، اعلامیه، دیوانه‌نویسی و غیره به وظیفه اطلاع رسانی خود عمل می کردند که در این مرحله نیز تعدادی از همراهان بازداشت و پس از سپری شدن دوران اسارت آزاد شدند.

پس از این مرحله، روشنگری مردم با برگزاری جلسات مخفیانه در منازل مردم، بین دانشجویان، و اقشار مختلف مردم در اقصی نقاط کشور (از جمله کرمان، بیرجند، سمنان، سنندج، و سمنان و.....)، ادامه اخطارها به مسئولین کشور به صورت حضوری (از جمله دفتر خامنه‌ای، دفتر خاتمی، وزارت کشور، وزارت ارشاد، و.....)، جلسات متوالی با مؤسسات علمی دانشگاه‌ها، دفاتر اکثریت قریب به اتفاق روزنامه‌ها و مجلات وقت، جریان داشت. از جمله این حرکات پس از دوم خرداد ۷۸ در بین طرفداران خاتمی و مردم امیدوار به او بود و اعلام شد که

این نمایش، تزویر جدید حکومت بوده که با نام خاتمی شروع شده است و در جلسات گفتگوی تمدنها اعتراض همراهان نسبت به سکوت و همیاری اندیشمندان ایران با این تزویر و پوشاندن حقایق و بروز این خط مشی کاذب اعلام شد.

و حال، گزارش ذیل شرح مختصری درارتباط با فعالیتهای مرکز کتاب توحید و اهداف انسانی آن و همچنین مبارزات اعضاء و همراهان فعال آن با سران و دولت جمهوری ایران و روشنگری مردم شریف ایران در زور و تزویر حاکم بر جامعه میباشد و اهم موضوعاتی که رأس هرم این گزارش می باشد رهایی آقای محمد ابراهیمی از همراهان علم حق و عدالت و مسئول مرکز کتاب توحید (که از این به بعد به اختصار نام مرکز به آن اطلاق می شود) از زندان ملایان شیطان ایران است.

این مرکز که در تیر ماه سال ۱۳۸۰ با دستور راهبر پروفیسور ابراهیم میرزائی برپا گردید (آدرس این مرکز در ایران - کرج - گوهردشت - خیابان سوم غربی پلاک ۱۱ بود) اولین جلسه عمومی خود را از مورخه ۱۳۸۰/۴/۸ تشکیل نمود و با برقراری جلسات روزانه و هفتگی عمومی به استقبال اقبال مختلف مردم اعم از ادیان گوناگون و دانشمندان و متفکرین علوم، فلاسفه، مکاتب و سازمانها و مردم عادی رفت و به پاسخگویی بفرنج ترین سئوالات تاریخی گذشته و حال مردم میپرداخت و به طور علنی به آگاه کردن مردم در رابطه با اصول انسانیت و شأن آدم، افشاگری در رابطه با امور کشور، دین نمائی ظاهری ملایان شیطان، استفاده از نام دین جهت دستیابی به اهداف شوم خود و همچنین کمکهای فکری و اخلاقی به مردم و..... همت گماشت.

در این حین تعداد ۴۰۰۰ جلد برگهای چاپ شده کتاب توحید که بالغ بر ۲۰/۰۰۰ برگ A4 و ۸۰۰۰ برگ A3 بود توسط بازرسین وزارت ارشاد از چاپخانه آرام تهران توقیف و ضبط شد.

قبل از شروع فعالیت مرکز جهت اخذ مجوز به وزارت ارشاد مراجعه و نامه شماره ۳۱۲۹-۱۳۸۰/۳/۲۲ به معاونت فرهنگی وزارت ارشاد واقع در خیابان مطهری تهران ارائه گردید. دو موضوع توقیف برگهای کتاب توحید و ثبت مرکز توسط وزارت ارشاد به وزارت اطلاعات به منظور بررسی و اظهار نظر و اگذار گردید که با پیگیریهایی که از طرف همراهان مرکز انجام میگردد قرار شد مقامات بالاتر وزارتخانه های اطلاعات و ارشاد تصمیم گیری نمایند که نهایتاً متأسفانه طبق ماهیت ضد انسانی و ضد فرهنگی ملایان شیطان ایران منجر به این شد که در مورخه ۱۳۸۰/۹/۷ مأمورین انتظامی بدستور دادگاه انقلاب کرج و قاضی رازقندی که رئیس دادگاه میباشد بزور با اعمال تروریستی تمام مدارک و آرشیو و کامپیوتر و ۷۰۰ جلد کتاب توحید را توقیف و اخطار کردند که پرچم علم توحید که دو ماه بود برافراشته گردیده بود، پایین بیاورید و گفتند اینجا را تعطیل کنید و بی سروصدا اینکار را انجام دهید که باعث تحریک مردم نشوید. روز جمعه مورخه ۱۳۸۰/۹/۹ که جلسه عمومی بامردم داشتیم دو پلاکارد بر روی دیوار مرکز مبنی بر جلوگیری جلسات توسط رژیم ایران به رؤیت مردم رسید.

نهایتاً در مورخه ۱۳۸۰/۹/۱۰ مأمورین نیروی انتظامی رژیم اقدام به پایین آوردن پرچم نمودند و در مورخه ۱۳۸۰/۹/۱۲ بازور و ارباب، مرکز را پلمپ نموده و مسئول مرکز آقای محمد ابراهیمی و چهار نفر از همراهان ایشان را بازداشت کرده و در سلولهای انفرادی زندان گوهردشت زندانی نمودند (شماره پرونده آقای محمد ابراهیمی در شعبه یک دادگاه انقلاب کرج ۷۵۶۵/۸۰ - د - ۱ می باشد).

صبح همان روز همراهان به دادگستری تهران مراجعه کردند و در اعتراض به این عمل تروریستی و وحشیانه عمال رژیم، نامه شماره ۸۰/۶۴۵۸۸ - د / ۱۳۸۰/۹/۱۲ را به دفتر رئیس قوه قضائیه (هاشمی شاهرودی) ارائه نمودند.

صبح روز بعد به اعتراض بر این اعمال دولت ایران حدود ۴۰ نفر از همراهان مرکز و مردم از سنین ۱۶ تا ۷۵ ساله که اکثراً جوانان بودند در مقابل دادگاه انقلاب کرج با در دست داشتن ۱۴ پلاکارد اقدام به گردهمایی و تحصن نمودند که توسط نیروهای انتظامی و اطلاعات مورد بی احترامی و تهدید و توهین قرار گرفتند و نهایتاً بازداشت و به زندان گوهردشت کرج منتقل شدند یعنی در کنار زندانیان روز قبل قرار گرفتند (پرونده به شعبه چهار دادگاه انقلاب مربوط گردید و تحت نظر قاضی رحیمی).

در مدتی که همراهان مرکز در زندان بودند بدون ترس و واهمه همچنان به ادامه مباحث مرکز در بین زندانیان که همانا افشاگری ملایان شیطان به سرکردگی خامنه ای خام عقل نادان و خاتمی شیطان بود، پرداختند.

همچنین فشارهای روحی و شکنجه های جسمی بر تعداد ۲۰ نفر از همراهانیکه در زندان باقی مانده بودند در مراحل زیادی از سوی عناصر رژیم وارد گردید. بطور خلاصه می توان گفت سرفصل موارد اعمال شده از سوی عناصر رژیم به این قرار بود:

- فشار و شکنجه های جسمی و روحی.

- تهدید.

- زندانی کردن در سلولهای انفرادی.

- بازجویی های طولانی چندین ساعته توسط چندین بازجو در حالت گرسنگی و تشنگی.

- دروغگوئی و تهمت زدن از خانواده‌ها به همراهان و از همراهان به خانواده‌ها و از همراهان بیرون به همراهان زندانی یا بالعکس که بین آنان تفرقه بیندازند.

- بارها و بارها ترتیب‌دادن اعدام‌های ساختگی که همراه را تا سرحد جنون تحت فشار قرار دهند.

- ترساندن و تهدید خانواده‌ها و تحریک و تمسخر آنان و اشاعهٔ اعدام همهٔ فرزندان خانواده‌ها که در زندان بودند که آنها متقابلاً در دادگاهها و در ملاقات همراهان حتی با کتک زدن، فریاد زدن بر سر آنان و یا حتی فرزندان همراهان را بر روی میز دادگاه انداختن و رفتن که ما نمی‌توانیم اینها را بزرگ کنیم که در نتیجهٔ این اعمال فشار روحی به همراهان بیاید.

- عدم اجازه به وکالت و کلا که چنان آنان را بترسانند و به آنها توهین کنند که کسی جرأت قبول وکالت یا ادامه پیگیری را ننماید و بگویند افراد اطلاعات خودشان وکیلند.

- تحریک زندانیان بر مقابله با همراهان از طریق چاقو کشیدن و توهین به آنان و تحقیرکردنشان در بین جمع و جوسازی در بندهای مختلف و مطالبی که درج آنها شرم‌آور است و تهدید همراهان توسط زندانیان که به آنان گفته بودند اینها خطرناکند و ضد خدا و ضد دین و کافرند و با آنان هر کار بکنند ثواب دارد و حتی قول کمک به زندانیانی که هرگونه حرکتی بر علیه همراهان انجام دهند (که البته با حمایت خداوند و رفتار شایستهٔ همراهان همهٔ این توطئه‌ها از طریق خود زندانیان خنثی میگردید).

- تهدید و شکنجه همراهان که حق ندارند با زندانیان دیگر صحبتی بکنند.

- بطور کلی فلسفهٔ قراردادن همراهان در بین زندانیان متهم به سرقت و قتل و زنا و قاچاق مواد مخدر و صدها جرائم دیگر بر این بود که روحیهٔ آنان را تخریب کنند و آنها را معتاد و منزوی نموده و از حرکت انسانی جهانگیرشان مأیوس و پشیمان نمایند.

- ابلاغ اتهامات بی‌پایه و بی‌اساس و سنگین کافر، ملحد، مرتد، مفسد فی‌الارض و دهها لفظ دیگر که در قوانین ملایان شیطان حکم اعدام را شامل می‌شود.

- اتصال کابل‌های برق به بدن همراهان که در مواردی تا چندین ماه آثار کبودی ناخنها و بدن آنان باقی مانده بود.

- در مواردی همراه را به سردخانه برده‌اند و دست و پای قطع شدهٔ مرده‌ها را به او نشان دادند و نام همراهان دیگر را بر روی پلاکی به آن دست و پا آویخته‌اند و گفته‌اند که اینها دست و پای فلان همراه و فلان همراه شماسست باید توبه کنی یا اعتراف کنی وگرنه تو هم به همین بلا دچار می‌شوی و سپس با همان دست و پای قطع شده تا چندین ساعت همراه را کتک زدند و بعد بدون لباس او را آویزان کردند و سپس در سردخانهٔ روشن ساعتها همراه را در تابوت خوابانند و بعد از آن بدن نیمه‌یخ زدهٔ او را در وسط زندان رها کردند که تا چند روز زندانیان دیگر به پرستاری او در آن زندان‌های بی‌امکانات که نه دکتر و نه داروئی وجود دارد بپردازند (این مورد در زندان اطلاعات اصفهان با همراهان رفتار گردید).

- در بسیاری مواقع با تقدس‌نمائی و استفاده از احساسات مذهبی خانواده‌ها و دروغگوئی به آنان آنها را می‌ترساندند و تحریک می‌نمودند و سپس اجازه ملاقات حضوری به آنان می‌دادند که هر کدام از آنان مانند یک شکنجه‌گر به بدترین توهینها و کتک‌کاری فرزندان یا همسران خود که همراهان ما بودند می‌پرداختند و می‌گفتند که «باید دست از مبارزاتتان و عقایدتان بردارید» و از خانواده‌ها جاسوسهایی می‌ساختند که همواره رفتار همراهان را کنترل کنند و گزارش دهند که معمولاً با پایداری و صبر و استقامت همراهان مواجه می‌شدند و با اینکه اکثر همراهان جوانان کم سن و سال بودند ولی اعتقادشان پابرجا و در تصمیم خود راسخ بودند و این حيله‌ها و فشارها نمی‌توانست کوچکترین تأثیری بر آنان بگذارد.

- در موارد بسیاری توسط زندانیان یا حتی زندانبانان سعی بر این بود که همراهان ما را که حتی سیگار نمی‌کشیدند دعوت به مواد مخدر نمایند که آنها را معتاد کنند. و بدیهی است که هیچگاه موفق نشدند.

- در اکثر مواقع در بیدادگاه و سایر جاها به همراهان که هیچگاه مقاومتی به لحاظ جسمی یا زد و خوردی انجام نداده بودند یعنی در اهداف آنان درگیری جسمانی وجود نداشت چنان دست‌بند و پابند و چشم‌بند می‌زدند که گوئی بزرگترین قاتلین و جنایتکاران هستند و بدین وسیله روحیهٔ خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار میدادند که اینها محکومین به اعدام هستند و باید اینگونه با آنها رفتار شود.

- قراردادن جاسوس در بین زندانیان که شبانه‌روز همراهان را تحت نظر داشته و گزارش دهند.

- در موارد بسیاری در بازجویی‌ها به همراهان می‌گفتند شما بخاطر خدا و مردم به اینجا آمده‌اید حالا بگویید آن خدای شما بیاید و شما را نجات دهد. که به خیال باطل خود اعتقاد ایشان را متزلزل سازند و همواره با شجاعت و پاسخ صریح و کوبندهٔ همراهان مواجه می‌شدند.

- کتک زدن با کابل و شلاق و چوب که همواره اکثراً در ابتدای دستگیری تا چندین ساعت وجود داشت.

- مواردی دیگر که ذکر آنان موجب شرمندگی شأن انسانی است.

بطور کلی نمونه‌های اکثر شکنجه‌های روحی و جسمی که در طول تاریخ وجود داشته در این مدت بصورت فشرده از هر نوع توطئه، نیرنگ، شکنجه، دروغ و تهمت، ایجاد ارباب، توهین، تحقیر، تفرقه و سوءاستفاده از احساسات مذهبی و دهها وسیله دیگر بر وجود همراهان پیاده نمودند و این در حالی بود که در همان تاریخ قانون منع شکنجه و اینگونه فشارها بنده‌بند در مجلس شورای کشور به تصویب رسیده بود و اینها حتی به قوانین مصوبه خود نیز به هیچ‌وجه عمل نمی‌کردند و علناً می‌گفتند اینجا (یعنی داخل زندان) کشور دیگری است و تابع این قوانین نمی‌باشد و واقعاً در طول این ۲۵ سال حکومت شیطان‌شان از تعاریف و شرح زندانیانی که عادی یا سیاسی در آنجا بودند چنان فجایع دلخراشی بیان می‌شد که باید صدها و هزاران کتاب به آن اختصاص داد تا گوشه‌ای از وحشیگری این حرامزادگان در لباس دین بیان شود و جداً قلم از بیان این اعمال ضد انسانی رژیم پست ملایان شیطان جمهوری ضد اسلام ایران عاجز می‌گردد. در اینجا جا دارد که نمونه‌هایی مختصر از خاطرات زندانیان بی‌پناه آنجا و آنچه لمس کرده بودند باختصار بیاید:

– اعدام‌های دسته جمعی.

– خوراندن دوغ آغشته به سیانور که صدها زندانی را یکباره به کشتن داد و دفن کردن در گورهای دسته‌جمعی زندان گوهردشت کرج زبازد همه زندانیان شده بود.

– عدم وجود پزشک و دارو که مثلاً یکی از قوانین این بود که ماهانه یکبار هر زندانی حق دارد به دکتر مراجعه نماید آنهم چند دانه قرص تاریخ گذشته و بی‌اثر بدهند که اکثراً افراد بعلت فراوانی مواد مخدر در داخل زندان که توسط مأمورین زندانها در داخل زندان به قیمت بسیار بالا فروخته می‌شد از طرف زندانیان دیگر پیشنهاد میشد در بیماریهای شدید و دردآور از مواد مخدر اعتیادآور استفاده شود. با اینگونه شیوه‌ها اکثر قریب به اتفاق زندانیان اعتیاد پیدا کرده بودند در حالیکه در بین آنان بهترین دانشمندان و متفکرین وجود داشتند و همه را ناامید و سرخورده نموده بودند.

– شکستن دست و پای زندانیان با نبشی‌های فولادی و سوراخ کردن استخوانهای دست و پای آنان با دریل و رها کردن آنان در سلولهای انفرادی که هفته‌ها و ماهها استخوانهایشان چرک می‌کرد و به همانحال بصورت کج جوش می‌خورد که بعد از مدتی که لازم بود به بیدادگاه ببرند و حفظ ظاهر نمایند، به بیمارستان می‌بردند و استخوانهای بدجوش خورده را می‌شکستند و دوباره سر جای خود قرار می‌دادند و پس از معالجه نزد قاضی می‌بردند.

– حبس‌های طولانی مدت در مکانی که بقول خودشان سگ‌دانی نامیده می‌شد، و زندانی فقط می‌توانست بصورت چمباتمه قرار گیرد که فقط روزی یک تکه نان به آنها جیره می‌دادند.

– دفن کردن در گورهایی که فقط به سختی می‌توانستند نفس بکشند و روزها و هفته‌ها همانطور قرار میدادند.

– خواباندن در تابوت‌هایی که در سردخانه برای مدت طولانی تا حد نزدیک به مرگ قرار دهند.

– در موارد بسیاری زندانی را در گونی پر از شیشه خورده قرار داده بودند و از بالای تپه‌های آنجا به پائین غلطانده بودند تا تکه تکه شده بود. و خلاصه کارهایی که اینها در طول این سالها بر سر این مردم بی‌پناه آورده‌اند در تمام تاریخ بشری حتی توسط هیتلر و چنگیز و سایر سفاکان تاریخ انجام نشد.

کاری کرده‌اند که همه مردم از هم دور شده‌اند، خانواده‌ها از هم پاشیده‌اند، همه نسبت به هم بدبین شده‌اند و بازار دزدی‌های قانونی، ربا، فحشاء و فرهنگ تملق و دروغ و صدها صفت غیرالهی و غیرانسانی رواج پیدا کرده است و می‌دانیم و این اطمینان هست که بزودی دست شوم این شیطان صفتان بیاری صاحب عالم از سر این مردم کوتاه می‌گردد و مردم از این زندان بزرگ که ایران نام دارد و اینها برای مردم ساخته‌اند نجات می‌یابند.

خلاصتاً پس از گذراندن این دوران سخت توأم با تجربه همراهان یک‌به‌یک با قرار وثیقه و کفالت آزاد گردیدند و فقط مسئول مرکز آقای محمد ابراهیمی بدون محاکمه در بازداشت موقت باقی ماند که ایشان را نیز تحت فشارهای بسیاری در سلول انفرادی و نگهداری در بین متهمین به قتل و قاچاق مواد مخدر به لحاظ روحی و جسمی قرار دادند.

در پایان سال ۱۳۸۰ وقایع اتفاق افتاده بصورت مکتوب به اکثر روزنامه‌های کشور حضوراً ارائه گردید که متأسفانه بدلیل فشار و ترس و ترس که ملایان شیطان ایران در جامعه ایجاد کرده‌اند هیچکدام از آنها حاضر نشدند حتی مطلبی یک خطی در روزنامه‌های خود به چاپ برسانند و علناً اعلام می‌کردند که ما چنین جرأتی نداریم.

فعالیت دیگری که انجام شد با صدها و کیل دادگستری در تهران و شهرستانها جهت قبول وکالت مذاکره حضوری گردید که با ارائه مکتوب گزارش وقایع و مطالعه آن، آنها هم مانند روزنامه‌نگارها بدلیل ترس و وحشت رژیم ایران از قبول پرونده خودداری می‌کردند و نهایتاً دو نفر آنهم باترس و نگرانی قبول پرونده نمودند و قابل توجه است که یکی از آنها بعلت تهدید مقامات دادگاه و عناصر مزدور اطلاعات کنار کشید(خانم اکرم داوودی) و دیگری که ادامه وکالت نمود (آقای قاسم کوهدار) تا مدتهای مدیدی پرونده مربوطه را جهت

مطالعه به ایشان ارائه نکردند و بارها ایشان را تهدید نمودند که از این پرونده انصراف بدهد و عملاً تاکنون این وکیل هیچ اقدام مثبتی نتوانست انجام دهد. نکته قابل توجه مربوط به مکان مرکز میباشد که پس از توقیف وسایل آن که متعلق به قشر زحمتکش مردم بود توسط رژیم به تاراج رفت و برگرداندن مکان مرکز که در اجاره اعضا بود مشروط به تخریب آن گردید یعنی ساختمانی که با هزینه مردم زحمتکش و دستان همراهان مرکز تازه بازسازی شده بود، کاملاً بصورت وحشیانه تخریب شد تا به مالک آن برگشت داده شود که این مسئله حادثه‌ای ناگوار در تاریخ می باشد که حاکی از ضدیت و خشم حکومت ملایان شیطان ایران نسبت به هر مکان فرهنگی و اعتقادی میباشد.

درمورخه ۱۳۸۰/۱۲/۲۸ مسئول مرکز آقای محمد ابراهیمی بدون محاکمه و پس از حدود ۳/۵ ماه زندان با قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون ریالی موقتاً آزاد شد ولی میبایست تحت نظر می بود که بعداً دادگاهی شود.

در همین تاریخ تعداد زیادی از همراهان مرکز اقدام به توزیع اعلامیه‌های رسواسازی ملایان شیطان در سطح شهر تهران نمودند که تعداد ۹ نفر از آنان بازداشت شده و پس از ضرب و شتم بسیار شدید از سوی مأمورین رژیم به شعبه ۲ دادگاه انقلاب کرج منتقل شدند و پس از دادگاهی شدن درمورخه ۱۳۸۱/۱/۲ طی شماره پرونده ۱۴۴/۴/۸۰/۷۵۶۶ - ۱۳۸۱/۱۲/۲۹ و اتهامات وارده: اقدام ضد امنیت ملی و توهین به رهبری و دهها اتهام دیگر به زندان گوهردشت منتقل گردیدند که پس از مدتی که تحت فشارهای جسمی و روحی در اثر کتک خوردن و حبس در زندان انفرادی و اعتصاب غذا در آنجا سپری گردید با قرارهای مبالغ بالا از پنج میلیون ریال تا سیصد میلیون ریال آزاد شدند و بعد از خروج از زندان بدلیل اینکه هنوز آثار ضرب و شتم روی بدنشان باقی مانده بود به دادسرای نظامی کرج مراجعه و از مأمورین نیروهای انتظامی و اطلاعات شکایت نموده و هر کدام از پزشکی قانونی مدتهایی را درمان گرفتند (طی پرونده شماره ۱۳۸۱/۱/۷ - ۲۰/۸/۸۱ و شماره ۲۰/۲۳۰/۸۱/۲۰/۱۱ - ۱۳۸۱/۱/۲۵) و بعد از این موضوع همچنان همراهان مرکز به توزیع اعلامیه‌ها در تمام نقاط کشور میپرداختند که تعدادی در حین توزیع در شهرستانهای قم و اصفهان و کرج و مشهد بازداشت شده و در مدت زندان تحت شدیدترین شکنجه‌های قرون وسطائی و تهدیدات قرار گرفتند (در شعبه ۴ دادگاه انقلاب قم به شماره ۲۰۳۹/۸۱ خرداد ۸۱ و ارجاع به دادگاه عمومی قم به شماره ۲۲۶۰۷ - ۱۳۸۱/۸/۲۷ - دادگاه انقلاب اصفهان به شماره ۶۵/۴۷۱/۸۱ - ۱۳۸۱/۴/۱۷).

مجدداً در مورخه ۱۳۸۱/۵/۱۹ طبق دستور قاضی رازقندی (رئیس دادگاه انقلاب کرج شعبه یک) آقای محمد ابراهیمی مسئول مرکز بازداشت شده و به زندان گوهردشت منتقل شدند و دوباره با اتهامات و تهدیدها مواجه شدند که خلاصتاً فشارهای وارده به ایشان در ذیل تقدیم میگردد:

۱- در زمانی که ایشان بمدت طولانی در سلول انفرادی نگهداری میشدند بازجوییهای شبانه‌روزی توسط چند بازجوی اطلاعات و ایجاد فشار روحی و عصبی منجر به این شد که بارها به بیمارستان زندان منتقل شوند و یا نهایتاً به بیمارستان بقیه‌الله تهران منتقل و تحت نام یونس قانعی بستری گردند. و در همان حال نقاهت، بدون اینکه متوجه باشد اثر انگشت گرفته بودند و گفته بودند این اثر انگشت به جهت وکیل می باشد. و سپس در همان حالت بیماری بعد از چند روز، شبانه ایشانرا جهت ملاقات با خانواده به پشت حیاط بیدادگاه انقلاب کرج انتقال دادند که متأسفانه قادر به شناختن خانواده نبود و به خانواده نیز هشدار داده بودند که اگر سرو صدا نمائید وضعیت متهم بدتر خواهد شد. و به همین علت هنوز خانواده تحت تأثیر آن صحنه دچار رعب و وحشت هستند.

۲- در زمان بازجویی چندین بار خواسته بود که از نحوه بازجویی و برخورد بازجوها به قاضی شکایت کند ولی متأسفانه هم با تهدید و پرخاشگری مأمورین مواجه شده بود و هم قاضی مربوطه.

۳- اشاعه دروغ و بهتان توسط بازجوها در مورد همراهان مرکز و بطور مستمر اینگونه اخبار دروغ را به مسئول مرکز میرساندند و باعث فشار روحی بسیار شدید ایشان می شدند.

۴- ترتیب دادن بارها و بارها اعدامهای ساختگی و تهدید به پرت کردن از کوه و دره‌های جاده کرج - چالوس با بردن به آنجا به جهت اینکه ایشان را وادار به توبه و تعهد بر عدم فعالیت نمایند.

۵- فشارهای مختلف به خانواده ایشان و بازجویی‌های طولانی توسط چند بازجوی اطلاعات و تهدید آنان و استهزاء و مسخره کردن آنان که آقای محمد ابراهیمی را تحت فشار خانوادگی به لحاظ روحی قرار دهند.

۶- وادار کردن به اینکه باید با همراهان مرکز صحبت کنی و آنها را از ادامه مبارزه با جمهوری ایران بازداری که عدم قبول اینگونه خواسته‌های عناصر اطلاعات باعث فشارهای روحی و جسمی به آقای ابراهیمی میشد.

۷- در مرحله ای با صدور قرار به میزان هفت میلیارد ریال عملاً چون در توان خانواده و همراهان ایشان نمی‌دیدند ایشان را در بازداشت موقت نگه داشته بودند.

۸- بلاتکلیف گذاشتن که حدود ۹ ماه بازداشت موقت بودند و با اجازه ندادن به وکیل ایشان جهت مطالعه پرونده، بارها وکیل ایشان را تهدید مستقیم و غیر مستقیم نمودند که پیگیری ننماید.

۹- تخریب روحیه ایشان در اثر اتهامات به کفر و ارتداد و مفسد فی الارض که همه اینها در قانون ملایان شیطان ایران حکم اعدام بر آنها شامل میشود.

۱۰- همراه محمد ابراهیمی به حکم مدعی‌العموم که آقای رازقندی بوده‌اند به اتهام اقدام علیه امنیت بازداشت شد و در عین حال قضاوت پرونده را نیز ایشان بعهده داشتند و حال سؤال این است که آیا یک نفر با این وضعیت می‌تواند در یک زمان هم بعنوان مدعی‌العموم و هم بعنوان قاضی پرونده باشد؟

۱۱- در سه جلسه بیدادگاه که با حضور وکیل بود متأسفانه ایشانرا با دستبند و پابند (با غل و زنجیر مانند قاتلین خطرناک) بردند و هر چقدر به قاضی اعتراض کرده بودند که: «من در این وضعیت تعادل اعصابم را از دست میدهم و نمی‌توانم تمرکز حواس در محاکمه داشته باشم» ولی باز متأسفانه توجهی نشد و آن وضعیت ادامه پیدا کرد تا آخرین جلسه دادگاه.

۱۲- نظر به اینکه سخنرانیهای آقای محمد ابراهیمی قبل از مرکز در جلسات منازل مردم و همچنین در مرکز بر علیه ملایان شیطان بوده است و همواره به روشنگری مردم در جهت شناخت رذالت بنیانی و ظاهری ملایان شیطان میپرداختند، ایشان را در موقعیت شدیدتری قرار دادند. و حال نیز طبق حکم صادره زیر توسط بیدادگاه ملایان شیطان به ۱۳ سال زندان محکوم شده‌اند:

قوة قضائیه

دادگاه انقلاب اسلامی

شماره: ۱۴۴/۱/۸۱/۶۳۹

تاریخ: ۸۱/۱۱/۲۴

دادنامه

دادگاه با توجه به مراتب فوق بزهکاری و مدارک مضبوط در پرونده و اظهارات متهم و وکیل مدافع وی بزهکاری محمد ابراهیم فرزند سلطانعلی در حد تشکیل و اداره گروهک م... در داخل کشور و ارتباط با خارج از کشور با هدف اقدام علیه امنیت کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام، توهین به مقدسات نظام و اسلام محرز است و با توجه باینکه اقدامات متهم منجر به محاربه و تجرید سلاح و احاقه‌الناس نگردیده لذا مستنداً بماده ۴۹۸ و ۵۰۰ و ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی از جهت تشکیل و اداره با هدف برهم زدن امنیت کشور به هشت سال حبس و از جهت فعالیت تبلیغی علیه نظام به ده ماه حبس و از جهت توهین به مقدسات اسلام و تبلیغات الحادی در این جهت به چهار سال حبس محکوم می‌نماید

راز قندی - رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی کرج

و در مرحله تجدیدنظر خواهی نیز رأی قاضی را تأیید نمودند. و اینگونه درون شیطانی خود را در صور گوناگون از جمله همین جریان تاریخی برملاء کردند.

برای رهایی این همراه از چنگ مزدوران ملایان شیطان اقدامات شما از لازمات است.

(لازم به ذکر است که مدارک و اسناد تاریخی و ملی تمامی مطالب موجود می‌باشد و قابل ارائه است)

و این حرکت تا پیروزی نهائی و رسیدن به اهداف والای انقلاب فرهنگی ادامه خواهد داشت و هیچگاه در برابر ضربات و حملات ملایان شیطان و عوامل دست نشانده و جیره بگیر آنها از پای نخواهیم نشست.

« پیروز خواهیم شد و پیروزی از آن ماست چون قانون، قانون انسانهاست »

با تشکر از اقدام بموقع آن مجموعه محترم

همراهان سازمان علم حق و عدالت

علم

حق و عدالت